

مطالعات تاریخی جنگ؛ نشریه علمی؛ مقاله علمی - پژوهشی
دوره چهارم، شماره ۱ سوم (پیاپی ۱۳)، پاییز ۱۳۹۹، صص ۲۵-۵۳

ایل بختیاری و جنگ جهانی اول: بررسی راهبردها و راهکارهای انگلیس و آلمان

غفار پوربختیار*

چکیده

ایل بختیاری در طی جنگ جهانی اول به میدان رقابت و درگیری قدرت‌هایی چون انگلیس و آلمان تبدیل گردید. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی تا با بررسی علل این مسئله به این پرسش پاسخ دهد که وجوه اهمیت قلمرو بختیاری برای این دو قدرت چه بوده است؟ فرضیه پژوهش بر این است که وجود ظرفیت‌های مناسبی چون جاده لینچ و منابع نفتی در قلمرو بختیاری، منجر به جذابیت آن برای هر دو قدرت و اتخاذ راهبردها و راهکارهایی برای نفوذ در این ایل گردید. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که به همین علت انگلیس با اتخاذ راهبرد برقراری امنیت در این قلمرو و با بهره‌وری از راهکارهای مناسب تلاش می‌کرد تا منافع خود را در آنجا حفظ نماید. آلمان نیز با اتخاذ راهبرد ایجاد ناامنی در ایل از راهکارهایی استفاده می‌کرد تا منافع انگلیس را به خطر افکند. خان‌های کوچک آشکارا طرفدار آلمان و خان‌های بزرگ نیز موضوعی مهم و دویپهلو اتخاذ کردند. به خاطر همین مواضع، انگلیسی‌ها با پایان جنگ، سیاست جدیدی مبتنی بر گذار از خان‌های بختیاری و رویکرد به یک دولت متمرکز اتخاذ نمودند.

کلیدواژه‌ها: جنگ جهانی اول، ایل بختیاری، میادین نفتی، جاده لینچ، انگلیس و آلمان.

* استادیار، گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
porbakhtiarghafar@yahoo.com
| تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ |

مقدمه

در طی جنگ جهانی اول بیشترین توجه دول درگیر جنگ، معطوف به حضور و نفوذ در ایلات و عشایر و به خصوص ایل بختیاری بود. دولت‌هایی چون انگلیس و آلمان علاقه زیادی به حضور در قلمرو ایل بختیاری و برقراری روابط دوستانه با خان‌ها و رهبران آن داشته‌اند، تا جایی که رقابت فشرده و نفس‌گیر طرفین بر سر این مسئله به شدت دیده می‌شود. ایل بختیاری با داشتن بسترها و ظرفیت‌های فراوان جغرافیایی، اقتصادی و نظامی، توجه قدرت‌های خارجی رقیب را به خود جلب می‌کرد. از یک سو دولت انگلیس از مدت‌ها قبل در قلمرو این ایل منافع سیاسی و اقتصادی فراوانی داشت که برای حفظ آن سخت می‌کوشید و از سوی دیگر آلمان‌ها در طی جنگ جهانی اول به شدت در پی آن بودند تا به هر نحو ممکن بتوانند در ایل بختیاری حضور و نفوذ داشته باشند. این پژوهش در پی آن است تا با بهره‌گیری از منابع و متون تاریخی همچون اسناد منتشر نشده و کتب اصلی و بر اساس روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی وجوه اهمیت ایل بختیاری برای انگلیس و آلمان پردازد و راهبردها و راهکارهای اتخاذشده‌ی این دو قدرت و مواضع خان‌های بختیاری را تجزیه و تحلیل نماید؛ و به این پرسش پاسخ دهد که راهبردها و راهکارهای انگلیسی‌ها، آلمان‌ها و مواضع خان‌ها در طی جنگ چه بوده و چه پیامدی این راهبردها و مواضع بر سرنوشت خان‌ها داشته است؟ مبنای این پژوهش نیز بر این فرض اساسی استوار است که وجود ظرفیت‌هایی چون جاده لینچ و منابع عظیم نفتی در قلمرو ایل بختیاری منجر به جذابیت و سوسه‌برانگیز آن برای انگلیس و آلمان و اتخاذ راهبردها و راهکارهای مختلفی توسط این دو قدرت برای حضور و نفوذ در این ایل گردید.

در خصوص این مسئله تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما به صورت پراکنده در بعضی از کتاب‌ها و مقالات مطالبی را می‌توان یافت؛ از جمله جن راف گارثویت (۱۳۷۳) در کتاب «تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری»، غلامرضا میرزایی دره شوری (۱۳۷۳) در کتاب «بختیاری‌ها و قاجاریه»، علیرضا ابطحی (۱۳۸۴) در کتاب «نفت و بختیاری‌ها» و خدابخش قربان‌پور دشتکی (۱۳۹۳) در کتاب «انگلیس و بختیاری» و گارثویت (۱۳۷۷) در مقاله «خان‌های بختیاری، دولت ایران و انگلیس (۱۹۱۵-۱۸۴۶)» تا اندازه‌ای به روند جنگ جهانی اول در ایل بختیاری پرداخته‌اند، لیکن این نویسندگان از زاویه اهمیت جاده لینچ و تأسیسات نفتی در سرزمین بختیاری و ثبات یا بی‌ثباتی در آن‌ها

از منظر دول انگلیس و آلمان، و راهبردها و راهکارهای این دو قدرت به موضوع نگاه نکرده‌اند و یا حتی مواضع خان‌های بختیاری را مورد بررسی دقیق قرار نداده، بلکه بیشتر روند حوادث و وقایع رخ داده را مدنظر داشته‌اند. در این پژوهش برخلاف پژوهش‌های پیشین و برای اولین بار به بررسی تفصیلی راهبردها و راهکارهای این دو قدرت در ایل بختیاری و مواضع خان‌ها طی جنگ جهانی اول پرداخته می‌شود.

وجوه اهمیت ایل بختیاری از نگاه انگلیس و آلمان

ایل بختیاری به علت ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خاص خود از مدت‌ها قبل مورد توجه قدرت‌های بیگانه قرار داشته است. برخورداری از ظرفیت‌های مساعدی همچون موقعیت جغرافیایی، عبور جاده‌ی تجاری از قلمرو آن‌ها، قرار گرفتن میادین نفت در سرزمینشان، نه تنها بختیاری‌ها را از سایر ایلات و عشایر ایران متمایز می‌کرد بلکه نگاه هر قدرت بیگانه را به سوی خود خیره می‌نمود. قلمرو ایل بختیاری از نظر موقعیت جغرافیایی در جنوب غربی ایران و در میانه دو ایالت مهم ایران در آن روزگار یعنی ایالت مرزی خوزستان و ایالت مرکزی اصفهان قرار داشت. خوزستان که در آن روزگار عربستان نامیده می‌شد، ایران را به آب‌های خلیج فارس متصل می‌کرد و اصفهان نیز در مرکز ایران، امکان دسترسی به سراسر کشور را فراهم می‌ساخت. نظر به همین موقعیت، خان‌های بختیاری موفق شدند در ۲۰ ذی‌القعدة ۱۳۱۴/۲۲ آوریل ۱۸۹۷ امتیاز احداث یک جاده تجاری که خوزستان را به اصفهان متصل می‌کرد، از دولت قاجار گرفته و یک سال بعد در دهم شوال ۱۳۱۵/چهارم مارس ۱۸۹۸ با انعقاد قراردادی امتیاز خود را به برادران انگلیسی لینچ^۱ واگذار کردند (تیموری، ۱۳۵۶: ۲۳۶). این جاده تجاری که در این پژوهش آن را جاده لینچ می‌نامیم و البته به جاده بختیاری نیز شهرت دارد، شوشتر مرکز ایالت خوزستان را به اصفهان متصل می‌نمود. انگلیسی‌ها کالاها و اجناس خود را از طریق خلیج فارس و با کمک رود کارون به نزدیکی شوشتر آورده و از آنجا از طریق همین جاده از قلمرو بختیاری عبور داده و با انتقال به اصفهان در کل کشور توزیع می‌کردند. تا قبل از احداث این جاده کار حمل و نقل کالاهای انگلیسی از طریق جاده طولانی بوشهر به اصفهان انجام می‌گرفت، که البته انگلیسی‌ها خیلی زود متوجه گردیدند جاده لینچ از هر نظر جاده‌ای سهل‌الوصول‌تر و به صرفه‌تر از جاده بوشهر می‌باشد. آن‌ها ضمن اینکه از طریق

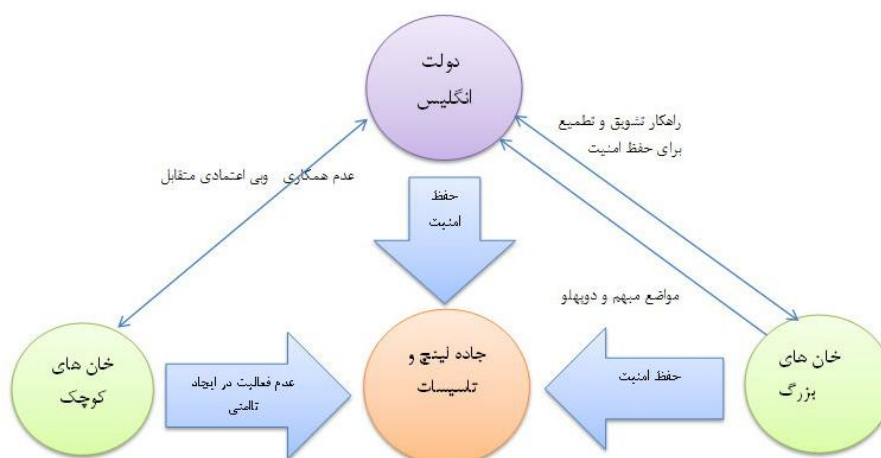
^۱. Lynch

این جاده منافع تجاری سرشاری به دست می‌آوردند، در شرایط ویژه جنگی نیز می‌توانستند نیروی نظامی و تسلیحات مورد نیاز خود را از طریق همین جاده به اصفهان منتقل و یا در هر جای ایران که لازم داشته باشند پخش نمایند (گرکه، ۱۳۷۷: ۴۰۱). برادران لینچ طی قراردادی با حمایت و تأیید سفارت انگلیس، تأمین حفاظت و امنیت این جاده را بر عهده خان‌های بختیاری گذاشتند که با داشتن سواران مسلح از پس این کار برمی‌آمدند. اما مهم‌ترین امتیاز بختیاری‌ها که آن‌ها را از سایر ایلات و عشایر متمایز می‌ساخت، وجود منابع عظیمی از نفت بود که در ۲۶ مه ۱۹۰۸/۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ در مسجد سلیمان کشف گردیده بود (ویلسون، ۱۳۹۴: ۹۰). مدتی قبل از کشف نفت نمایندگان داری و کنسول انگلیس در اصفهان، در خصوص مسائل مختلف و به‌ویژه مسئله حفاظت از میادین و تأسیسات نفتی قراردادی با خان‌های بزرگ^۱ بختیاری منعقد کرده بودند (ساکما، سند شماره ۷-۳۹۷/۴۹/۵-۲۴۰). برقراری ثبات و امنیت در میادین و لوله‌های نفت برای انگلیسی‌ها امر بسیار مهمی بود زیرا هرگونه بی‌ثباتی و ناامنی، روند تولید، بهره‌برداری و صدور نفت را به خطر می‌انداخت و در آن صورت اقتصاد انگلیس که بر پایه نفت استوار بود، لطمه می‌دید. تنها خان‌های بختیاری می‌توانستند با داشتن سواران مسلح کافی، عهده‌دار حفظ امنیت میادین و تأسیسات نفت شوند (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۶۰).

البته از منظر آلمان‌ها نیز قلمرو ایل بختیاری دارای ارزش و اهمیت بسیاری بود. داشتن موقعیت جغرافیایی مناسب، استعداد نظامی کافی و به‌ویژه عبور جاده لینچ و وجود میادین نفتی در این قلمرو، کافی بود تا توجه آلمان‌ها را به این ایل معطوف گرداند. برای آن‌ها روشن بود که جاده لینچ و میادین نفتی در قلمرو بختیاری کانون توجه و مرکز منافع انگلیسی‌هایی بود که در جنگ جهانی اول دشمن اصلی آلمان محسوب می‌گردیدند. ثبات و استحکام این مراکز باعث تقویت قدرت و موقعیت دولت انگلیس و در نتیجه پیروزی آن دولت می‌گردید و برعکس بی‌ثباتی و ناامنی در این مراکز می‌توانست موجبات تضعیف موقعیت و به دنبال آن شکست دولت انگلیس را به ارمغان بیاورد؛ بنابراین آلمان‌ها کوشش کردند تا با حضور و نفوذ عوامل و عناصر خود در ایل بختیاری، بتوانند از این ظرفیت‌ها به‌صورت مفید و مناسبی بهره‌مند گردیده و با ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در

۱. خان‌های بزرگ یا ارشد به آن دسته از خان‌های بختیاری گفته می‌شود که مسن یا سالمند بوده‌اند. آنان نسل دوم خان‌های حکومت‌گر از طایفه زراسوند، باب دورکی، شاخه هفت لنگ بوده‌اند که در دوره قاجار بر کل ایل بختیاری حکومت می‌کردند (پوربختیار، ۱۳۸۷: ۲۰۲).

جاده لینچ و تأسیسات نفتی همچون تخریب و انفجار لوله‌های انتقال نفت، به منافع انگلیس آسیب رسانده و اقتدار آن دولت را به چالش بکشند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۲۶۲).



نمودار شماره ۱- اهداف راهبردی انگلیس و مواضع خان‌ها در خصوص جاده لینچ و تأسیسات نفتی

جدول شماره ۱- اهداف راهبردی انگلیس و مواضع خان‌ها در خصوص جاده لینچ

اهداف و مواضع	
حفظ ثبات و امنیت در جاده لینچ در راستای انتقال ایمن کالاها و تسلیحات انگلیسی از خوزستان به اصفهان و از آنجا به سراسر کشور.	دولت انگلیس
حفاظت و حراست از جاده در راستای انتقال ایمن کالاها و تسلیحات انگلیسی‌ها درازای دریافت حق‌الحفاظه و مشوق‌های دیگر.	خان‌های بزرگ
عدم اقدام عملی برضد امنیت جاده لینچ علی‌رغم هم‌سویی با اهداف راهبردی آلمان و دشمنی با انگلیس.	خان‌های کوچک

راهبردها و راهکارهای انگلیس در ایل بختیاری

میان بختیاری‌ها و انگلیسی‌ها در طی سال‌های گذشته روابط دوستانه‌ای برقرار گردیده بود؛ اما با انعقاد قرارداد جاده لینچ و احداث آن و سپس انعقاد قرارداد نفتی و کشف نفت در مسجدسلیمان، روابط طرفین نزدیک‌تر گردیده بود. جاده لینچ منافع زیادی برای انگلیسی‌ها داشت و چون حفظ امنیت آن و حفاظت از کالاها و اجناسی که از این جاده عبور می‌کرد برای دولت انگلیس اهمیت وافری داشت، مسئولیت این کار به خان‌های بزرگ و خان‌های حکومتگر^۱ بختیاری داده شد (Khazeni, 2009: 109). اما فراتر از این جاده، مسئله کشف و استخراج نفت در سرزمین گرمسیری بختیاری‌ها بود که روابط طرفین را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در ۱۳ آوریل ۲۲/۱۹۰۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ انگلیسی‌ها با تأسیس شرکت نفت بختیاری، سهامی از آن شرکت را به خوانین بزرگ اختصاص دادند (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۶۱؛ ۴: cronin, 2004). مهم‌ترین هدف انگلیس از انعقاد قرارداد با خان‌ها و به‌ویژه دادن سهام نفت به آن‌ها، علاوه بر خرید اراضی مورد نیاز از آنان، حفظ و حراست از میادین، چاه‌ها و لوله‌های نفت توسط نگهبانان بختیاری بود. امری که از نظر انگلیسی‌ها مهم و حیاتی بود و هرگونه بی‌نظمی و ناامنی در آنجا منافع انگلیس را به خطر می‌انداخت (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

با آغاز جنگ جهانی اول، دولت انگلیس به‌عنوان یکی از دول درگیر جنگ تلاش نمود تا به هر صورت ممکن اجازه ندهد زمینه نفوذ و حضور آلمان‌ها در جاده لینچ و میادین نفت فراهم گردد زیرا آلمان‌ها تلاش می‌کردند تا از با نفوذ در ایل بختیاری در جاده لینچ ناامنی ایجاد نموده و مسیر انتقال کالا و تسلیحات انگلیسی‌ها را با اختلال و اغتشاش مواجه سازند. همچنین با ایجاد خراب‌کاری و انفجار در میادین و یا خطوط لوله‌های نفت و به دنبالش قطع صدور نفت، شاه‌رگ حیاتی دولت انگلیس را قطع نمایند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۲۶۲). این امر می‌توانست برای انگلیسی‌ها خیلی گران تمام شود زیرا فارغ از نقش عظیمی که نفت خوزستان در شکوفایی اقتصاد انگلیس داشت، این دولت در آستانه جنگ جهانی اول سوخت کشتی‌های تجاری و به‌ویژه جنگی خود را از ذغال سنگ به نفت تغییر داده (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۵۶) و بنابراین برای عبور و مرور آن‌ها نیاز مبرمی

^۱. در این پژوهش منظور آن دو خانی است که مناصب ایلخانی و ایل‌بیگی بختیاری را بر عهده داشته‌اند. از سال ۱۳۱۲ ه. ق. به بعد ایلخانی و ایل‌بیگی بختیاری فقط از دو جناح ایلخانی و حاجی‌ایلخانی انتخاب می‌شدند.

به نفت داشت. به همین خاطر راهبرد اساسی و مهم دولت انگلیس حفظ آرامش، ثبات و امنیت در ایل بختیاری بود تا بتواند در پرتو آن، منافع خود در جاده لینچ و میادین نفتی را در مقابل آلمان‌ها و یا متحد عثمانی‌شان، از دست ندهد. این مهم تنها به شرط حفظ وحدت، صلح و دوستی و موازنه قدرت در میان خان‌ها و به‌ویژه خان‌های بزرگ و حکومت‌گر اتفاق می‌افتاد؛ اما در صورت اختلاف و درگیری بین خان‌ها، پر واضح بود که امنیت این جاده و مناطق نفت‌خیز به مخاطره می‌افتاد (ابطحی، ۱۳۸۴: ۶۳). بنابراین به‌عنوان یک راهکار مهم و برخلاف تصور عمومی مبنی بر سیاست تفرقه‌افکنی انگلیسی‌ها، آنان در ایجاد صلح، وحدت و موازنه قدرت در میان خان‌های بزرگ سنگ تمام می‌گذاشتند. انگلیسی‌ها تمام توجه خود را معطوف خان‌های بزرگ آن‌هم خان‌های حکومتگر دو جناح ایلخانی^۱ و حاجی ایلخانی نمودند و در مقابل از عطف توجه هم به خان‌های کوچک^۲ و هم به خان‌های جناح ایل‌بیگی^۳ دریغ ورزیدند. امری که در طی جنگ چالش‌های زیادی برای دولت انگلیس ایجاد نمود و منجر به این شد که آن دو گروه برای بازبایی حقوق و امتیازات ازدست‌رفته، خود را در آغوش آلمان‌ها بیفکنند. دولت انگلیس در راستای رسیدن به اهداف راهبردی خود در ایل بختیاری، راهکارهایی را اتخاذ نمود که اکنون به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- کمک به انتصاب ایلخانی و ایل‌بیگی بختیاری: برقراری سیاست صلح و دوستی میان دو جناح حکومت‌گر بختیاری یعنی جناح ایلخانی و جناح حاجی ایلخانی،^۴ در اولویت راهکارهای دولت انگلیس قرار داشت. مهم‌ترین عامل تفرقه‌برانگیز میان خان‌های بزرگ دو جناح، مسئله حکومت بر ایل بختیاری در قالب دو منصب ایلخانی و ایل‌بیگی بود (قربان‌پور دشتکی، ۱۳۹۰: ۲۴۶). اگرچه این دو جناح طی قراردادی در سال

^۱. پسران و نوه‌های حسین‌قلی خان، ایلخانی دوران ناصرالدین‌شاه که در ایل بختیاری به اولاد ایلخانی نیز شهرت دارند.

^۲. خان‌های کوچک یا جوان نسبت به خان‌های بزرگ یا پدران خود کم‌سن و سال‌تر بوده‌اند. آنان نسل سوم خان‌های حکومت‌گر بوده‌اند که اگرچه در دوره قاجار حاکم نبوده‌اند اما تعدادی از آن‌ها در دوره پهلوی بر بخش‌های از ایل بختیاری حکومت کرده‌اند (پوربختیار، ۱۳۸۷: ۲۰۲).

^۳. پسران و نوه‌های رضاقلی ایل‌بیگی (برادر سوم حسین‌قلی خان) که به اولاد ایل‌بیگی مشهور بودند و از سال ۱۳۱۲ ه.ق به بعد توسط خان‌های دو جناح دیگر از قدرت و حکومت بختیاری محروم شدند.

^۴. پسران و نوه‌های امام‌قلی خان حاجی ایلخانی (برادر حسین‌قلی خان) که به اولاد حاجی ایلخانی نیز مشهور بودند.

۱۳۱۲ق/۱۸۹۴م با یکدیگر به توافق رسیده و با حذف جناح ایل‌بیگی از قدرت و حکومت، این دو منصب را میان خود تقسیم نموده بودند اما اختلافات دو جناح به‌ویژه بر سر این دو مقام خاتمه نیافت و هر از چند گاهی سرباز می‌کرد. پر واضح است که نه‌تنها اقتدار این دو مقام در برقراری ثبات و امنیت در قلمرو بختیاری نقش زیادی ایفا می‌کرد بلکه اختلاف و درگیری خان‌های بزرگ بر سر این مناصب، موجبات ناامنی را در جاده لینچ و مناطق نفت‌خیز فراهم می‌آورد. با اصرار و حمایت دولت انگلیس و برای خاتمه دادن به این اختلافات، در ۱۹۱۲م/۱۳۳۰ق یعنی دو سال قبل از جنگ جهانی اول، قراردادی میان خوانین دو جناح حاکم منعقد گردید و طرفین توافق کردند تا نصیرخان سردار جنگ از جناح حاجی ایلخانی به مدت پنج سال به‌عنوان ایلخان مستقل و تام‌الاختیار بختیاری و کهگیلویه منصوب گردد و مرتضی‌قلی خان صمصام از جناح ایلخانی، ایل‌بیگی‌گری او را عهده‌دار شود (گارثویت، ۱۳۷۳: ۳۴۵). دولت انگلیس که از نفوذ دولت آلمان در ایل بختیاری به شدت هراس داشت، به حفظ ثبات و امنیت در این ایل نیاز مبرمی داشت. انگلیسی‌ها تصور می‌کردند سردار جنگ، ایلخانی کاملاً جدی و قاطع است که می‌تواند خاطر آن‌ها را از بابت امنیت جاده لینچ و میادین نفتی آسوده نماید، تصویری که بعداً پی به اشتباه آن بردند. ضمن آن‌که ایلخان جدید با انتصاب به حکومت کهگیلویه، می‌توانست به حملات عشایر آن دیار به جاده لینچ که هم خود به این کار بی‌میل نبودند و هم ممکن بود آلمان‌ها به تحریک آن‌ها بپردازند، نیز برای همیشه خاتمه دهد (Iran political diaries, 1997:5/446). حدود سه سال بعد وقتی که در بحبوحه جنگ، انگلیسی‌ها از عدم اقتدار و مواضع مبهم و دوپهلوی سردار جنگ رنجش یافتند، از حمایت او دست کشیده و این بار غلامحسین خان سردار محتشم و یوسف خان امیرمجاهد با رضایت همراه با امیدواری انگلیسی‌ها، در ۱۹۱۵م/۱۳۳۳ق به‌عنوان ایلخان و ایل‌بیگی بختیاری منصوب شدند.

۲- حمایت از انتصاب خان‌ها به حکومت ایالات: در راستای تشویق خان‌های بزرگ به همکاری، راهکار دیگر دولت انگلیس این بود که نه‌تنها در داخل قلمرو بختیاری بلکه در خارج از آن نیز از انتصاب خان‌های متمایل به خود به مناصب مهم حکومتی و ایالتی حمایت کند. با کاربست این راهکار، دولت انگلیس می‌توانست دوستی و وفاداری خان‌ها را هرچه بیشتر به خود جلب کند. تقریباً در اوایل جنگ، تعدادی از خان‌های بزرگ با حمایت دولت انگلیس، در خارج از قلمرو بختیاری مقام و منصب حکومتی داشته‌اند.

ابتدا انگلیسی‌ها برای کسب رضایت بیشتر سردار جنگ، از انتصاب برادر وی به نام امیر مفخم به حکومت کرمان حمایت به عمل آوردند (کتاب آبی، ۱۳۶۹: ۱۸۶۶/۸). امیر مفخم مدتی بعد در بحبوحه جنگ حاکم کرمانشاه گردید. سردار جنگ خود نیز پس از برکناری از ایلخانی بختیاری به عنوان حاکم یزد منصوب گردید. علاوه بر این دو برادر، در طی جنگ سردار ظفر و سردار اشجع نیز به ترتیب حاکم کرمان و حاکم اصفهان بوده‌اند. این مناصب حکومتی بدون حمایت همه‌جانبه‌ی سفارت انگلیس عملاً امکان‌پذیر نبوده است. این در حالی بود که دولت انگلیس سیاست عدم توجه و بی‌مهری خود نسبت به خان‌های جوان و خان‌های جناح ایل بیگی را همچنان تداوم می‌بخشید.

۳- اعطای نشان رسمی بریتانیا: از دیگر راهکارهای انگلیسی‌ها برای جذب و تضمین وفاداری خان‌های بزرگ نسبت به خود، دادن نشان‌های رسمی و عناوین بزرگ و پرطمطراق به آن‌ها بود. به عنوان مثال در آستانه وقوع جنگ جهانی اول، نشان عالی «K.C.M.G» به سردار جنگ و نشان «K.C.I.E» [نشان شوالیه فرمانده امپراتوری هند] به سردار اسعد اعطا گردید (گارثویت، ۱۳۷۳: ۲۲۸) و همچنین با خاتمه جنگ نیز نشان رسمی K.B.E [شوالیه امپراتوری بریتانیا] به پاس خدمات سردار ظفر به وی داده شد (گالت، ۱۳۸۷: ۲۲).

۴- اعطای بسته‌های مالی (پول-وام): پرداخت پول به عنوان یکی از مهم‌ترین مشوق‌های مالی به خان‌های بزرگ از دیگر راهکارهای دولت انگلیس برای کسب وفاداری و حمایت آن‌ها بود. انگلیسی‌ها در طی دوران جنگ به طرق و بهانه‌های مختلفی چون حفظ امنیت جاده لینگ و حراست و حفاظت از میادین و تأسیسات نفتی، حفظ نظم و امنیت در داخل و یا حتی خارج از قلمرو بختیاری، علاوه بر حق الحفاظه‌ها و سود سهام نفت، با ریخت و پاش هزاران لیره چه به صورت وام و چه بلاعوض به پای خان‌ها، از آن‌ها حمایت مالی به عمل می‌آوردند (Garthwaite, 1977: 152؛ نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۲۴۸). اگرچه دادن حقوق و پاداش بی‌حد و حصر به خان‌ها به سختی می‌توانست عطش پول-دوستی و اشتهای سیری‌ناپذیر آنان را رفع نماید، اما برای رسیدن به اهداف مدنظر لازم و کارساز بود.

۵- واگذاری تسلیحات و تلاش برای تشکیل نیروی ویژه: یکی دیگر از راهکارهای دولت انگلیس برای جذب و نگهداری خان‌ها، توزیع اسلحه در میان آن‌ها بود. قبل از جنگ، انگلیسی‌ها به بهانه‌ها و عناوینی چون حفاظت و حراست از جاده لینگ و میادین

نفتی مقادیر متنابعی تفنگ و فشنگ (ساکما، سند شماره ۱۳/۴۱۰۵) از جمله تفنگ لوله بلند مارتینی هنری (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۰۸) به خان‌ها دادند. این اقدام در زمان جنگ تداوم یافت و حتی به هنگام جنگ با راهزنان چند عراده مسلسل در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند (ساکما، سند شماره ۱۳/۳۰۳؛ نوئل، ۱۳۹۳: ۳۶). انگلیسی‌ها نه تنها در پی مسلح کردن بختیاری‌ها بودند بلکه نظر به مواقع مقتضی و به علت روحیه جنگاوری و استعداد نظامی آن‌ها، به دنبال تشکیل نیروی ویژه و مسلح بختیاری برای حفاظت از جاده لینچ و مناطق نفت‌خیز نیز بودند. امنیت جاده لینچ و کالاهایی که از طریق آن منتقل می‌گردید حتی قبل از آغاز جنگ جهانی اول نیز به‌طور مکرر توسط عشایر کهگیلویه و بویراحمد نقض گردیده بود (پوربختیار، ۱۳۸۷: ۷۲). با آغاز جنگ، این جاده و به‌خصوص مسیر انتهایی قلمرو بختیاری تا شهر اصفهان، در تابستان و پاییز ۱۹۱۶م/۱۳۳۴ق به شدت ناامن گردید و حمل و نقل در آن به‌سختی صورت می‌گرفت. حتی مقادیر معتناهی از کالاهای انگلیسی از ترس راهزنانی چون نایب حسین کاشی و پسرش ماشالله خان که دوست و متحد آلمان‌ها بوده و توسط آن‌ها تحریک می‌شدند (نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۶۶)، در خاک بختیاری تلنبار شده بود. بدین خاطر کاپیتان نوئل، در دسامبر ۱۹۱۶/صفر ۱۳۳۵ در پی تشکیل نیروی چریک بختیاری تحت فرماندهی افسران انگلیسی در جهت حفاظت و حراست از جاده لینچ برآمد اما این طرح با اینکه به تصویب مقامات دولت بریتانیا نیز رسیده بود اما هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسید (نوئل، ۱۳۹۳: ۶۲؛ ماہرلی، ۱۳۶۹: ۲۹۲).

۶- تأسیس کنسولگری دهکرد: با گذشت مدت‌زمانی از آغاز جنگ جهانی اول و نفوذ بیشتر آلمان‌ها در ایل بختیاری، دولت انگلیس تمرکز بیشتری بر امور ایل معطوف نمود. تا این زمان امور انگلیس در ایل بختیاری تحت نظارت سفارت آن دولت در تهران و توسط کنسول‌هایش در اصفهان و اهواز اداره می‌گردید و به‌ویژه کاپیتان نوئل کنسول انگلیس در اهواز، اشراف و تسلط مناسبی بر امور بختیاری داشت؛ اما نظر به تسلط بیشتر بر امور و در حقیقت برای جلوگیری از نفوذ آلمان‌ها، دولت انگلیس تصمیم گرفت تا کنسولگری دیگری را در دهکرد (شهرکرد فعلی) تأسیس نماید. نامزد این کار مستر هریس^۱ نایب کنسول اصفهان بود که به‌عنوان کنسول انگلیس در دهکرد منصوب گردید، اما او پس از سه ماه فعالیت در دهکرد، سرانجام از انبوه مشکلات تاب نیاورده و با شلیک یک تیر به زندگی خود پایان داد. مرگ فاجعه‌بار هریس باعث گردید تا دولت انگلیس

1. Hariss

جانشینی برای او معین ننموده و با این تجربه تلخ، کنسولگری دهکرد را برای همیشه تعطیل نمود (نوئل، ۱۳۹۳: ۲۲؛ دانشور علوی، ۱۳۷۷: ۱۸۱).

جدول شماره ۲- اهداف راهبردی انگلیس، آلمان و مواضع خان‌ها در خصوص تأسیسات نفتی

اهداف و مواضع	
حفظ امنیت تأسیسات نفتی در راستای تداوم صدور نفت برای سوخت کشتی‌های تجاری و جنگی و رونق دادن به اقتصاد انگلیس و جلوگیری از نفوذ آلمان‌ها در این تأسیسات.	دولت انگلیس
ایجاد ناامنی و تخریب در تأسیسات نفتی در راستای ایجاد اختلال در روند صدور نفت و آسیب رساندن به موقعیت نظامی و اقتصادی انگلیس.	دولت آلمان
حفاظت و حراست از تأسیسات نفتی در راستای حسن اجرای قرارداد نفتی با انگلیس و گرفتن حق الحفظه نفتی و سایر مشوق‌ها.	خان‌های بزرگ
عدم اقدام عملی بر ضد امنیت تأسیسات نفتی علی‌رغم همسویی با دولت آلمان و دشمنی با انگلیس.	خان‌های کوچک

راهبردها و راهکارهای آلمان در ایل بختیاری

برخلاف روابط با انگلیسی‌ها، تاریخ روابط بختیاری‌ها و آلمان‌ها چندان دیرپا نبوده و تنها به چند سال قبل از جنگ جهانی اول برمی‌گشت. مکین‌روز^۱ پزشک انگلیسی در ۱۹۰۹م/۱۳۲۷ق می‌نویسد: «در سال‌های اخیر نفوذ آلمان در میان بختیاری‌ها زیاد شده است که من علت آن را نمی‌دانم» (مکین‌روز، ۱۳۷۳: ۱۴۴). با آغاز جنگ، روس‌ها، عثمانی‌ها و انگلیسی‌ها با نیروی فراوان وارد خاک ایران شده و با یکدیگر مشغول نبرد شدند. در این میان آلمان‌ها اگرچه نیروی نظامی در سطح گسترده‌ای وارد خاک ایران نکردند اما خیلی با برنامه‌ریزی و سازمان‌یافته کار خود را شروع کردند. آنان چون برخلاف دیگر قدرت‌ها شرایط گسیل نیروی فراوان به خاک ایران را نداشتند، روش دیگری را اتخاذ کردند. آلمان‌ها در آغاز سال ۱۹۱۵م/۱۳۳۳ق بیش از دو‌سیست نفر مأمور سیاسی و نظامی زبده خود را به همراه مقادیر زیادی پول، تجهیزاتاتی چون بی‌سیم و کتابچه تبلیغاتی به ایران اعزام نمودند (رایت، ۱۳۶۴: ۳۴۳). آنان تصمیم گرفتند تا از ظرفیت بالای ایلات و

1. Macbean Ross

عشایر جنوب ایران به سود خود بهره ببرند و با ایجاد جنگ نیابتی، آن‌ها را به نیابت از خود بر ضد انگلیس و روس وارد کارزار نمایند. واقعیت این است که آلمان‌ها اگرچه توانستند به راحتی در میان ایلات جنوب و به‌ویژه قشقایی‌ها، تنگستانی‌ها و دشستانی‌ها نفوذ کرده و آن‌ها را با خود همراه سازند اما چنین نفوذی در ایل بختیاری کاری دشوارتر بود زیرا که بختیاری‌ها از مدت‌ها قبل با انگلیسی‌ها روابط نزدیکی داشتند و حداقل رأس هرم ایل یعنی خان‌های حکومت‌گر آن با دولت انگلیس پیوند تنگاتنگی برقرار نموده بودند. بنابراین آلمان‌ها برای گذار از این مشکل بر روی دو راهکار جدی اهتمام ورزیدند که یکی از آن‌ها ایجاد خدشه و آسیب بر روابط سنتی و دیرینه میان انگلیسی‌ها و خان‌های بزرگ و حکومت‌گر، و دیگری برقراری روابط دوستانه با خان‌های کوچک و نیز خان‌های جناح ایل‌بیگی بود که هر دو گروه مورد بی‌مهری انگلیسی‌ها قرار گرفته بودند. ایجاد خدشه در روابط انگلیسی‌ها و خان‌های بزرگ و حکومت‌گر، و نفوذ بر روی خان‌های کوچک امر مهمی بود که فقط برجسته‌ترین مأموران آلمانی چون واسموس، زایلر و کاردرف می‌توانستند از عهده آن برآیند.

ویلهلم واسموس^۱ یکی از برجسته‌ترین مأموران آلمانی بود که مأموریت داشت تا در میان ایلات و عشایر جنوب ایران رخنه نموده و اهداف راهبردی آلمان را در آنجا پیاده کند. عطایی و نوری می‌نویسند که او: «شناخت کاملی از عشایر جنوب ایران داشت و زمینه را برای ضربه زدن به انگلیسی‌ها مناسب می‌دانست» (عطایی و نوری، ۱۳۹۵: ۷۴). واسموس در ژانویه ۱۳۳۳/۱۹۱۵ ق در شوشتر، به دیدار نصیرخان سردار جنگ از خان‌های بزرگ و ایلخان مورد حمایت انگلیس رفت (گرکه، ۱۳۷۷: ۱۴۲). او قبل از این دیدار هدایایی از جمله یک قبضه تفنگ و یک عدد دوربین برای سردار جنگ فرستاده بود. سردار اگرچه هدایای واسموس را نپذیرفت چون نمی‌خواست به طرفداری از آلمان‌ها متهم گردد، اما چند سوار مسلح به‌عنوان محافظ در اختیار او قرار داد، امری که خشم مقامات انگلیسی را برانگیخت و باعث دل‌سردی و بی‌مهری آن‌ها نسبت به سردار جنگ گردید (فن‌میکوش، ۱۳۸۳: ۷۹). اگرچه این دیدار کاملاً مطلوب آلمان‌ها واقع نشد و آن‌ها به خواسته خود مبنی بر جلب حمایت آشکار سردار جنگ نسبت به خود نرسیدند اما یکی دیگر از اهداف این دیدار، کاشتن بذر سوءظن در دل انگلیسی‌ها نسبت به سردار جنگ بود که تا اندازه‌ای نسبت به این هدف موفقیت حاصل گردید. با انتشار اخبار این دیدار

1. Wilhelm Wassmuss

و به خصوص زمانی که در ۱۹۱۵م/۱۳۳۳ق انفجارهایی در خط لوله نفتی در منطقه کوت عبدالله شهر اهواز رخ داد که منجر به قطع سه ماهه صدور نفت گردید (گارثویت، ۱۳۷۳: ۲۲۹)، انگلیسی‌ها در ابتدا فکر کردند که این خرابکاری به دستور سردار جنگ بوده است اما دکتر یانگ^۱ پزشک صاحب نفوذ در شرکت نفت و دوست سردار جنگ این مسئله را به شدت تکذیب نمود. اگرچه یانگ و بعضی دیگر از مقامات انگلیسی این کار را به تحریک واسموس و به دست طرفداران عرب او که از قبیله باوی بودند می‌دانستند، اما واقعیت این است که به روایت بلوشر^۲ این خرابکاری به دستور برلن و با طراحی هوشمندانه سرگرد هاوپتمان کلاین^۳ وابسته نظامی آلمان در ایران، و با کمک دسته کوچکی از سپاه عثمانی و همکاری اعراب باوی صورت گرفته بود (بلوشر، ۱۳۶۳: ۲۶۲). این اتفاق پایان ماه عسل سردار جنگ و انگلیسی‌ها را رقم زد و سوءظن آنان به سردار جنگ پس از مدتی منجر به عدم حمایت از او و سرانجام برکناری زودهنگامش گردید. به علاوه نامه‌های تحریک‌آمیز واسموس به بعضی از خان‌های کوچک و دادن مقادیری پول و سلاح به آن‌ها تأثیر زیادی داشت و باعث گردید تا بعضی از خان‌ها همچون ابراهیم خان ضرغام السلطنه، فتحعلی خان سردار معظم، بی‌بی مریم و عده‌ای دیگر از خان‌های کوچک با آن‌ها همراه گردند و در جنگ بر ضد متفقین، دوشادوش آلمان و عثمانی مبارزه کنند (کحال زاده، ۱۳۷۰: ۳۴۸؛ احرار، ۱۳۶۸: ۹۳).

یکی دیگر از اقدامات آلمان‌ها نفوذ در میان خان‌های کوچک بختیاری و نیز خان‌های جناح ایل بیگی با هدف برقراری روابط دوستانه با آن‌ها و جلب همکاری‌شان برضد انگلیس و روسیه بود. بدین خاطر مأموران آلمانی تلاش کردند تا خود را به قلمرو بختیاری برسانند، اما کنسول‌ها و مأموران انگلیسی نیز هوشیار بوده و معمولاً از خان‌های حکومت‌گر تقاضای دستگیری آن‌ها را می‌نمودند (ساکما، سند شماره ۱۰۰۲/۳۵). آلمان‌ها از یک سو در پی آن بودند تا با ایجاد ناامنی و خرابکاری در جاده لینچ، در حمل و نقل کالاها و تسلیحات انگلیس خدشه وارد نمایند و از سوی دیگر به‌ویژه با کمک متحد عثمانی‌شان، در مناطق نفت‌خیز خوزستان اغتشاش و خرابکاری کرده و صدور نفت را با قطعی و یا حتی الامکان اخلال مواجه سازند (سایکس، ۱۳۳۵: ۶۷۵/۲). راهبرد آلمان‌ها این بود که ضمن شوراندن خان‌های کوچک و خان‌های جناح ایل بیگی برضد متفقین و ایجاد

1. Young

2. Blucher

3. Havpetman Klein

جنگ نیابتی، خود را به منابع حیاتی انگلیس یعنی جاده لینچ و میادین نفتی برسانند. اجرای این راهبرد بر روی چند راهکار اساسی استوار گردیده بود: جلب دوستی و حمایت خان‌های کوچک که از طریق ابزارهایی چون برانگیختن احساسات پاک ملی و وطن‌دوستی‌شان، تشدید حس دشمنی آن‌ها بر ضد روس و انگلیس، دادن هدایا، پول و اسلحه و وعده حمایت از آن‌ها در مقابل دول متفق و خان‌های بزرگ خودشان، به دست می‌آمد (بلوشر، ۱۳۶۳: ۳۶؛ احرار، ۱۳۶۸: ۹۳). پر واضح است که منابع مالی و امکاناتی که آلمان‌ها در اختیار داشته و خرج می‌کردند، قابل قیاس با منابع و امکانات انگلیسی‌ها نبود (پرورش رامکی و اربابی، ۱۳۹۷: ۴۰). در این خصوص حتی نیدرمایر نیز منابع و امکانات مالی فراوان آلمان‌ها را انکار نموده و می‌نویسد: «این تصور شایع در بین دشمن که زایلر در کار خود به پول فراوان متکی بوده است، نادرست است. مبالغی که به خاطر مقاصد سیاسی خرج می‌شد در قیاس با ارقامی که انگلیسی‌ها و روس‌ها ریخت و پاش می‌کردند به نحوی خنده‌آور ناچیز بود و کلاً از رقم سه هزار و پانصد تومان (= ۱۳۰۰۰ مارک) تجاوز نمی‌کرد» (نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۲۵۰). بدین خاطر آلمان‌ها برخلاف انگلیسی‌ها بیشتر از راهکارهای غیر مالی بهره می‌بردند. آن‌ها از اختلافات شدید میان خان‌های بزرگ و کوچک اطلاعات و آگاهی وافر داشتند و می‌دانستند که خان‌های کوچک به دنبال قیام بر ضد خان‌های بزرگ و گرفتن حقوق و امتیازات خود از جنگ آن‌ها می‌باشند و همچنین از توجه انگلیس به خان‌های بزرگ و بی‌مهری آن‌ها نسبت به خودشان رنجش دارند.

یکی دیگر از راهکارهای آلمان‌ها، برقراری روابط دوستانه با خان‌های جناح ایل بیگی و جلب همکاری و حمایت آن‌ها بود. این مأموریت را بیشتر زایلر انجام داد. زایلر^۱ کنسول آلمان در اصفهان از دیگر مأموران آلمانی بود که در امر نفوذ در ایل بختیاری تلاش‌های بسیاری کرد و موفقیت شایان توجهی به دست آورد. قبلاً سلف او به نام زوگمایر^۲ و سپس دکتر پوژن^۳ با فعالیت‌های سودمند خود زمینه مناسب را برای او فراهم آورده بودند. زایلر در ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۵/ ۵ ذی‌القعدة ۱۳۳۳ به فرادنبه مقر ابراهیم‌خان ضرغام‌السلطنه رفت و مورد استقبال او قرار گرفت (نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۲۵۲؛ شاکری بروجنی، ۱۳۸۵: ۳۱۹). او مذاکراتی با این خان به‌عنوان رهبر جناح ایل بیگی به عمل آورد و از او درخواست حمایت و همکاری نمود. جذب ضرغام‌السلطنه فرزند رضاقلی‌خان

1. seiler

2. Zugmayer

3. Pogin

ایل بیگی کارچندان دشواری برای این دیپلمات آلمانی نبود زیرا او مورد بی‌مهری و ستم عموزادگان خود یعنی خان‌های دو جناح ایلخانی و حاجی ایلخانی قرار گرفته بود و زایلر از این امر شناخت کافی داشت و می‌دانست که چطور از اختلافات داخلی میان روسای ایل بختیاری با زیرکی هرچه تمام‌تر بهره‌برداری کند (باست، ۱۳۷۷: ۴۵). به دنبال بازیابی حقوق ازدست‌رفته خود، دست دوستی و همکاری با زایلر داد و با جدیت فوق‌العاده‌ای به حمایت از آلمان‌ها برخاست (نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۲۴۷؛ گرکه، ۱۳۷۷: ۲۴۴). آغاز روابط دوستانه زایلر با ضرغام زمینه‌دوستی و همکاری تدریجی او را با ابوالقاسم خان پسر بزرگ ضرغام و سایر خان‌های جناح ایل بیگی فراهم آورد. حتی یکی از فرزندان ضرغام السلطنه به نام محمدرحیم خان در جنگ با روس‌ها و در دفاع از قلعه ورنامخواست -یکی از روستاهای اربابی پدرش- کشته گردید (دانشور علوی، ۱۳۷۷: ۱۰۸، اوژن، ۱۳۹۴: ۲۳۰). زایلر در جذب همکاری بختیاری‌ها، ایجاد هماهنگی در میان‌شان و حتی همراه کردن آن‌ها در سفر به کرمانشاه و پیوستن به دولت مهاجرت و سپاه عثمانی، نقش بسزایی ایفا نمود. او حتی کوشش نمود تا روابط دوستانه‌ای میان صولت‌الدوله ایلخان قشقایی و خان‌های کوچک بختیاری برقرار سازد تا این دو ایل برضد روس و انگلیس با یکدیگر متحد گردند اما در این کارچندان موفق نگردید (گرکه، ۱۳۷۷: ۲۴۶؛ ماپرلی، ۱۳۶۹: ۱۴۶) زیرا یکی از اهداف مهم مأموران آلمانی این بود که با ایجاد حس رقابت و چشم‌وهم‌چشمی میان قشقایی‌ها و بختیاری‌ها افراد هر دو ایل را بیشتر به سمت خود جذب کنند.

جدول شماره ۳- راهکارها و ابزارهای آلمان در راستای پیشبرد اهداف راهبردی

راهکارها	اهداف نهایی	ابزارها	گروه‌های هدف
تبلیغ	جلب توجه و دوستی خان‌ها	نشان دادن وجه ایران دوستی، اسلام دوستی، عشایر دوستی و بختیاری دوستی آلمان‌ها	خان‌های کوچک، طبقه میانی و طبقات پایین
تشویق و تحریک	جلب توجه و دوستی خان‌ها	برانگیختن احساسات ملی، مذهبی و ایلی، دادن امکانات مالی	خان‌های کوچک، طبقات میانی و پایین

تطمیع	جلب توجه و دوستی خان‌ها	هدایا، پول، اسلحه، نشان رسمی	بعضی خان‌های بزرگ (سردار جنگ) خان‌های کوچک، سردار مریم، طبقات میانی و پایین
کسب اطلاعات و آگاهی	نفوذ کردن میان بختیاری‌ها	نقاط قوت، ضعف علائق، سلاقی و احساسات بختیاری‌ها، اختلافات آن‌ها در تمامی سطوح	همه بختیاری‌ها
تفرقه افکنی	تضعیف دشمن، کسب وجهه و تقویت خود		میان بختیاری‌ها و ایلات هم‌جوار، میان خان‌های بزرگ و کوچک، میان ضرغام السلطنه و سایر خاندان ایل بیگی با دو خاندان حاکم
ایجاد اغتشاش، ناامنی و تخریب	تضعیف دشمن، کسب روحیه و تقویت خود		در تأسیسات نفتی، جاده لینچ و کل مناطق بختیاری
ایجاد جنگ نیابتی	تضعیف دشمن و تقویت خود		در کل مناطق بختیاری، اصفهان و غرب کشور

جدول شماره ۴- راهکارها و ابزارهای انگلیس در راستای پیشبرد اهداف راهبردی

راهکار	اهداف نهایی	ابزارها	گروه‌های هدف
تطمیع و تشویق	حفظ همکاری و وفاداری خان‌های بختیاری	پول و هدیه، سلاح، نشان، مقام و منصب	خان‌های بزرگ و حکومت‌گر

تهدید و تنبیه	حفظ همکاری و وفاداری خان‌های بختیاری	تهدید به قطع حمایت‌های مالی و معنوی همچون پول، سلاح، منصب و نشان	خان‌های بزرگ و حکومت‌گر
تحریک و تفتین	حفظ همکاری و وفاداری خان‌های بختیاری	برانگیختن حس دشمنی نسبت به آلمان و عثمانی	خان‌های بزرگ و حکومت‌گر
تأسیس کنسولگری جدید در دهکرد	حفظ همکاری و وفاداری خان‌های بختیاری	پیشبرد امور اجرایی	همه اهالی چهارمجال و بختیاری

واکنش‌ها و مواضع خان‌ها

درست هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول اختلاف و انشقاق در میان خان‌های بختیاری به شدت به چشم می‌خورد. در میان خان‌ها دو گروه وجود داشت که در خصوص اتخاذ موضع در جنگ با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. گروه اول خان‌های بزرگ و حکومت‌گری بودند که از سال‌های دور با دولت انگلیس روابط دوستانه داشته و تا این زمان تلاش می‌کردند تا منافع آن دولت را در ایل بختیاری حفظ نمایند، اما گروه دوم خان‌های اصطلاحاً کوچک یا جوان بودند که با داشتن احساسات ضد انگلیسی و روسی در مقابل گروه اول قرار داشتند. خان‌های کوچک و غالباً تحصیل کرده که دارای احساسات ملی-گرایانه و وطن دوستانه بودند، متنفر از تجاوز روس و انگلیس به میهنشان، علاقه‌مند بودند تا دست دوستی و همکاری با آلمان و عثمانی را بفشارند (سایکس، ۱۳۳۵: ۲/۶۷۵). شگفت این است که خان‌های کوچک اغلب فرزندان همین خوانین بزرگ و حکومت‌گر بوده‌اند. مثلاً فتحعلی‌خان سردارمعظم، یدالله‌خان و عزت‌الله‌خان فرزندان امیرمفخم؛ مهدی‌قلی‌خان سالارمسعود و علی‌مرادخان سالاربهادر فرزندان سردارظفر و محمدخان سالاراعظم فرزند سرداراسعد بوده است؛ بنابراین چنین دوگانگی و اختلاف نظر میان پدران و پسران در جنگ جهانی اول را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ آیا پسران در تضاد کامل با پدران به جانب آلمان و عثمانی گرایش پیدا کرده بودند و یا اینکه با موافقت ضمنی یا چراغ سبز پدرانشان، به جبهه متحدین پیوسته‌اند؟ واقعیت این است که خان‌های

بزرگ علی‌رغم دوستی دیرینه با انگلیسی‌ها و با وجود حمایت همه‌جانبه مادی و معنوی آن دولت از آن‌ها، همچون دادن مقام و منصب و توزیع پول و سلاح فراوان، خود نیز بر سر دوراهی شک و تردید قرار داشتند. به عبارتی آن‌ها که قبلاً تبلیغات زیادی درباره‌ی قدرت و عظمت آلمان جدید شنیده بودند، در تداوم وفاداری خود نسبت به انگلیس پای سست کرده بودند. به‌ویژه آن‌که نمی‌دانستند سرنوشت آینده آن‌ها چه خواهد شد و آیا دولت انگلیس پس از پایان جنگ از آن‌ها حمایت خواهد کرد یا خیر؟ اما انگلیسی‌ها با کاربست راهکار قدیمی و مخصوص به خودشان یعنی دادن حکومت و ریخت‌وپاش پول و اسلحه، آن‌ها را به‌طور موقت و نیم‌بند در کنار خود نگه‌داشته بودند. پر واضح است که به‌کارگیری پول و اسلحه اگرچه خیلی اثرگذار بود اما نمی‌توانست برای همیشه کارساز باشد. در طی جنگ مواضع خان‌های بزرگ نسبت به طرفین جنگ دارای دوگانگی و ابهام بوده و مرتباً تغییر می‌کرد. سردار جنگ ایلخان مورد حمایت انگلیس، در شوشتر با واسموس آلمانی دیدار و مذاکره کرده و مواضع مبهم و دوپهلویی را نسبت به انگلیسی‌ها در پیش گرفت (گارتویت، ۱۳۷۷: ۳۶). ناراحتی انگلیسی‌ها از آنجایی بود که او نتوانسته بود امنیت تأسیسات نفتی را برقرار سازد و در زمان حکومت او خط لوله‌های نفتی از جانب هواداران آلمان و عثمانی مورد تخریب و انفجار قرار گرفته بود. مواضع برادر او امیرمفخم نیز دارای ابهام زیادی بود. او در دوران حکومتش بر کرمانشاه، اگرچه نماینده دولت ایران بود اما تحرکات و اقداماتی به طرفداری از آلمان‌ها انجام می‌داد (شیبانی، ۱۳۷۸: ۳۶؛ سپهر، ۱۳۶۲: ۳۹۸). امیرمفخم هم خود با نیدرمایر آلمانی دیدار و گفت‌وگو کرده بود و هم پسرانش به‌ویژه پسر ارشدش فتح‌علی خان سردارمفخم دوشادوش آلمان‌ها و عثمانی‌ها می‌جنگیدند (نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۵۶ و ۳۲۴). سردارظفر در همین خصوص می‌نویسد: «عجیب‌تر پول گرفتن امیرمفخم [از آلمان‌ها] و فرستادن دو پسر جوان به سن هفده هیجده سال بود در اردوی ترک‌ها» (سردارظفر، ۱۳۵۵: ۳۴۱). این دو پسر او یعنی یدالله خان و عزت‌الله خان از فرماندهان و نیروهای برجسته ضد متفقین بوده‌اند (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۳۰۸/۳). در سندی از وزارت داخله نیز ذکر شده است: «...گویا یدالله خان پسر امیرمفخم با دویست سوار به طرف کرمانشاه رفته باشد» (ایران و جنگ جهانی اول، ۱۳۶۹: ۹۰). همچنین سردارمحتشم به‌عنوان ایلخان جدید مورد حمایت و اعتماد انگلیس، در چغاخور مرکز حکومت بختیاری از زایلر آلمانی پذیرایی می‌کند (نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۲۵۲). امیرمجاهد ایل بیگی او نیز ظاهراً سر و سری با آلمان‌ها داشته است

(سفیری، ۱۳۶۴: ۴۱)؛ اما مبهم‌ترین و متغیرترین مواضع را در میان خان‌ها، خسروخان سردارظفر داشته است. او که درست هم‌زمان با آغاز جنگ والی کرمان بود، در مقابل آلمان‌ها و انگلیسی‌ها سیاست یکی به نعل و یکی به میخ را اتخاذ کرد که حاکی از منفعت‌طلبی و پیدا کردن فرصتی برای پر کردن جیب خود بود (سایکس، ۱۳۳۵: ۶۴۸/۲؛ حیدری سیرجانی، ۱۳۶۸: ۱۴۰). او در ابتدا از انگلیسی‌ها حمایت کرد و به برخورد شدید با عوامل آلمانی پرداخت و حتی به دولت مرکزی اصرار کرد تا از فعالیت‌های ژاندارمری به نفع آلمان‌ها جلوگیری نماید (اسناد جنگ جهانی اول در ایران، ۱۳۷۰: ۱۹۲). اما مردم کرمان دیدگاه کاملاً ضد انگلیسی داشته و از آلمان‌ها طرفداری می‌کردند. از سوی دیگر در ۶ محرم ۱۳۳۳/۲۴ نوامبر ۱۹۱۴ نیز جمعی از روحانیون اصفهان طی تلگرافی از سردارظفر خواستند تا بی‌طرفی ایران در جنگ را رعایت نموده و با ضدیت نمودن با نمایندگان خارجی [منظور آلمان‌ها] شرف خانوادگی بختیاری‌ها را به خطر نیندازد (ساکما، سند شماره ۱۱۶ / ۱۰۰۴). خواه تحت تأثیر فضای ضد انگلیسی کرمان و خواه تحت تأثیر تلگرافاتی این‌چنینی و شاید هم با رسیدن اخبار موقت جنگ به نفع آلمان‌ها، سردارظفر این بار با چرخشی کاملاً متضاد در مواضع خود، سرپرسی سایکس^۱ کنسول انگلیس در کرمان را در ۱۳۳۴ق/۱۹۱۵م از شهر اخراج نموده و تحت حفاظت سواران خود به سمت فارس فرستاد. این عمل وی باعث نارضایتی شدید وزیر مختار انگلیس در تهران گردید (ساکما، سند شماره ۱۰۳/۸۴). هرچند که سردارظفر در خاطرات خود سیاست‌مآبانه می‌نویسد: «آلمان‌ها گفته بودند اگر انگلیسی‌ها را از کرمان بیرون کردید، شانزده هزار لیره به شما می‌دهیم، من قبول نکردم گفتم دولت ایران بی‌طرفی اختیار کرده است من هم به حکم دولت ایران بی‌طرف هستم» (سردارظفر، ۱۳۵۵: ۳۴۰). اما مدتی بعد با قدرت‌گیری دوباره متفقین، چرخش موضع سردارظفر در حمایت از انگلیسی‌ها مجدداً چنان آشکار گردید که نیروهای بختیاری وی به زوگمایر و زیلر آلمانی حمله برده و آن‌ها را از کرمان فراری دادند (اسکراین، ۱۳۶۳: ۶۵). همه این موارد نشان می‌دهد که خان‌های بزرگ و حکومت‌گر در تداوم وفاداری و دوستی خود با انگلیس دچار ابهام و تردید زیادی شده بودند و حتی حاتم‌بخشی انگلیسی‌ها نیز بر تداوم وفاداری خان‌ها چندان تأثیری نداشت.

1. Sir Percy Sykes

اما برخلاف خان‌های بزرگ، مواضع خان‌های کوچک و خان‌های جناح ایل‌بیگی کاملاً آشکار و شفاف بود. خواسته آلمان‌ها از آنان همکاری و حمایت از این دولت در جنگ با انگلیس و روسیه و ضربه زدن به منافع این دو قدرت و به‌ویژه ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در جاده لنینج و میادین نفتی بود. زایلر در دیدار با ضرغام‌السلطنه و خان‌های کوچک این خواسته را مطرح کرده بود (نیدرمایر، ۱۳۸۰: ۲۴۸). آن‌ها اگرچه به‌صورت مستقیم به تقاضای اتحاد و همکاری آلمان‌ها پاسخ مثبت دادند اما در عمل در روند ایجاد ناامنی در جاده لنینج و تأسیسات نفتی فعالیت چندانی به عمل نیاوردند زیرا نمی‌خواستند عملاً به رویارویی با خان‌های بزرگ خود برخیزند، بلکه بیشتر علاقه‌مند بودند تا در جنگ با روس‌ها و انگلیسی‌ها در مناطقی خارج از خاک بختیاری همچون اصفهان، همدان، کرمانشاه و... شرکت نمایند؛ بنابراین خان‌های کوچک علاقه‌ای نداشتند تا در نقشه آلمان‌ها در ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در خاک بختیاری و به‌ویژه جاده لنینج و تأسیسات نفتی سهیم و دخیل گردند زیرا در آن صورت با خان‌های بزرگ خود یا در حقیقت پدران خود درگیر می‌شدند.

علاوه بر ضرغام‌السلطنه و پسران و برادرانش، یکی دیگر از برجسته‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در جبهه هواداران آلمان، بی‌بی‌مریم بود. او خواهر سردار اسعد، سردار ظفر و دیگر خان‌های بزرگ جناح ایلخانی بود. بی‌بی‌مریم دوشادوش دیگر خان‌های کوچک بختیاری در نبرد با روس‌ها در اطراف اصفهان شرکت داشت. او رودلف فن کاردروف^۱ کاردار آلمان را که همراه بختیاری‌ها در جنگ با روس‌ها حضور داشت از چنگ روس‌ها نجات داده و در قلعه خود پناه داد (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۰۳). سپس به او کمک کرد تا مخفیانه خود را به مرز عثمانی رسانده و از آنجا عازم آلمان شود. کاردروف پس از رسیدن به آلمان، ماجرای حمایت این زن از او و سایر آلمانی‌ها را به اطلاع امپراتور ویلهلم دوم^۲ رساند. امپراتور نیز به پاس تقدیر از خدمات و فداکاری‌های بی‌بی‌مریم به آلمان‌ها، تمثال خود و مدال و نشان مخصوص برایش فرستاد. همین امر باعث شد تا او از آن‌پس در ایل بختیاری به سردار مریم مشهور گردد (همان، ۱۳۶۲: ۴۰۸؛ سلطانی زراسوند، ۱۳۹۴: ۳۸۷-۳۸۲).

۱ . Rodlof von kardrof
 ۲ . Wilhelm II

جدول شماره ۵-مواضع چند تن از خان‌های کوچک

نام	نام پدر	موضع	سرنوشت
سالار مسعود	سردار ظفر	طرفدار آلمان	زندان توسط انگلیس
ضرغام السلطنه	رضاقلی خان ایل بیگی	طرفدار آلمان	تبعید توسط انگلیس
ابوالقاسم خان	ضرغام السلطنه	طرفدار آلمان	عزیمت اجباری به استانبول
بی بی مریم	حسین قلی خان ایلخانی	طرفدار آلمان	غارت خانه و اموال توسط روس‌ها-اخذ نشان از آلمان‌ها
سردار معظم	امیر مفخم	طرفدار آلمان	عزیمت به استانبول
بهادر السلطنه	هژبر السلطنه	طرفدار آلمان	تبعید به بصره توسط انگلیس
محمد رحیم خان	ضرغام السلطنه	طرفدار آلمان	قتل توسط روس‌ها

جدول شماره ۶-مواضع چند تن از خان‌های بزرگ

نام	منصب	موضع	سرنوشت
سردار جنگ	ایلخان-حاکم یزد	مبهم-متماایل به انگلیس	برکناری از ایلخانی-گری و انتصاب به حکومت یزد
سردار ظفر	حاکم کرمان	مبهم-متماایل به انگلیس	اعطای نشان رسمی توسط انگلیس
سردار محتشم	ایلخان-حاکم	مبهم-متماایل به انگلیس	-

امیر مفخم	حاکم کرمانشاه	کرمان- مبهم- متمایل به آلمان	برکناری از حکومت کرمان- انتصاب به حکومت کرمانشاه
امیر مجاهد	ایل بیگی	مبهم- متمایل به انگلیس	-
صمصام السلطنه	رئیس الوزرا	مبهم	-
سردار اشجع	حاکم اصفهان	مبهم- متمایل به انگلیس	برکناری از حکومت اصفهان

پیامدهای جنگ جهانی اول بر ایل بختیاری

جنگ جهانی اول و به‌ویژه اتخاذ مواضع خان‌های بختیاری در طی جنگ، تأثیرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زیادی بر ایل بختیاری بجا گذاشت. حمایت خان‌های کوچک بختیاری از آلمان و عثمانی در طی جنگ و دشمنی آن‌ها با انگلیس و روسیه از یک سو و از دیگر سو تردید و دودلی خان‌های بزرگ در حمایت از انگلیس مسئله‌ای غیرقابل‌باور برای آن دولت بود، زیرا که روابط دوستانه بختیاری‌ها و انگلیسی‌ها بیش از صدسال سابقه تاریخی داشت. حتی اگر پذیرش دشمنی خان‌های کوچک بختیاری برای انگلیسی‌ها امکان داشت اما پذیرش مواضع مبهم و به‌ویژه بی‌وفایی خان‌های بزرگ بختیاری که طی سالیان دراز از حمایت‌های مادی و معنوی دولت انگلیس برخوردار بودند واقعاً برای مقامات این دولت غیرقابل‌باور بود. این امر از چشم‌تیزبین مقامات انگلیسی نیز پنهان نمانده بود و بعضی از آن‌ها این نکته را در خاطرات و یا گزارش‌های خود یادآور شده‌اند. چنانکه نورمن^۱ مدتی بعد از پایان جنگ به این مسئله چنین اشاره می‌کند: «... من هنوز به موضع نادوستانه بختیاری‌ها طی جنگ [جهانی اول] فکر می‌کنم که تقریباً همه خوانین بختیاری از دشمنان ما طرفداری کردند و فقط دو تن از آن‌ها [احتمالاً منظور وی سردار ظفر و سردار محتشم باشد] کاملاً به ما وفادار ماندند... بختیاری-ها اساساً مورد اعتماد نیستند و فقط به دنبال منافع خود می‌باشند» (Documents on..., 1963:13/711). الکساندر گالت نیز در پاورقی کتاب ایل بختیاری می‌نویسد: «در

1. Norman

خلال سال‌های جنگ جهانی اول در مجموع خوانین بختیاری - به استثنای سردار ظفر و احتمالاً سردار محتشم - بیشتر موجب دردسر ما بودند تا آرامش خاطر ما. سردار ظفر کم‌وبیش به ما وفادار ماند و در پایان جنگ به دریافت نشان K.B.E، [شوالیه امپراتوری بریتانیا] نائل آمد» (گالت، ۱۳۸۷: ۲۲).

اما وقوع این امر در جنگ جهانی اول دولت انگلیس را بر آن داشت تا پس از پایان جنگ و رسیدن به پیروزی، در سیاست خود نسبت به خان‌های بختیاری تجدیدنظر کند. تقریباً در سال آخر جنگ که پیروزی انگلیس دیگر روشن شده بود، مقامات انگلیسی سیاست بگرووبند نسبت به عناصر و خان‌های طرفدار آلمان را به شدت اجرا نمودند. خان‌های کوچک بختیاری که طی جنگ دوشادوش آلمان‌ها و عثمانی‌ها با قوای روس و انگلیس جنگیده بودند، مورد تعقیب و مجازات شدید انگلیسی‌ها قرار گرفتند. آن‌ها عده - ای از این خان‌ها را دستگیر، تبعید یا زندانی کردند. مثلاً ضرغام‌السلطنه به مکانی بنام امام‌زاده قیس تبعید گردید. موسی‌خان بهادرالسلطنه دستگیر و به بصره تبعید گردید (اوژن، ۱۳۹۴: ۲۳۳؛ میرزایی دره شوری، ۱۳۷۳: ۳۲۱). سالارمسعود و سالارظفر پسران سردار ظفر دستگیر و مدتی طولانی زندانی شدند اما سرانجام با وساطت پدرشان آزاد گردیدند (سردار ظفر، ۱۳۵۵: ۶۰). دولت انگلیس که از دشمنی خان‌های کوچک و مواضع مبهم یا در حقیقت بی‌وفایی خان‌های بزرگ کاملاً رنجیده‌خاطر گردیده بود، با پایان جنگ جهانی اول راهبرد جدیدی اتخاذ نمود که مبتنی بر گذار از خان‌های بختیاری و رویکرد به حمایت از تأسیس دولتی متمرکز در تهران بود که مدتی بعد در حکومت رضاخان پهلوی تبلور یافت؛ به‌ویژه آنکه پس از وقوع انقلاب روسیه، بلشویک‌ها که تازه به قدرت رسیده بودند، تلاش کردند تا با اعزام عناصر خود به میداین نفتی خوزستان، نفوذ در میان کارگران تأسیسات نفتی و تبلیغ و انتشار افکار کمونیستی، آن‌ها را بر ضد منافع انگلیس تحریک نموده و در میداین نفتی بی‌ثباتی و ناامنی به وجود آورند (Iran political Diaries, 1997: 7/53)، امری که انگلیسی‌ها به‌هیچ‌وجه آن را بر نمی‌تافتند. همین امر باعث گردید تا مقامات انگلیس که پس از جنگ جهانی اول دیگر اعتمادی به خان‌های بختیاری نداشتند، در راستای راهبرد حفظ ثبات و امنیت در میداین نفتی، به سمت دولت تازه تأسیس و تمرکزگرای رضاشاه سوق داده شوند. آن‌ها علاقه‌مند به دولت متمرکزی بودند که بتواند جایگزین بختیاری‌ها در میداین نفتی گردیده و با سرکوبی هرچه‌تمام‌تر عوامل نفوذی بلشویک، امنیت تأسیسات نفتی را برای دولت انگلیس به ارمغان آورد. رضاشاه

پهلوی پس از قدرت‌گیری توانست با کمک نیروی نظامی و انتظامی خود، نظم و امنیت را در میادین نفتی جنوب تأمین نماید. با این اقدام، انگلیسی‌ها عملاً خواسته خود مبنی بر تأمین ثبات، نظم و امنیت در میادین و تأسیسات نفتی را برآورده می‌دیدند، دیگر نیاز چندانی به خان‌های بختیاری و سواران مسلحشان نداشتند، بنابراین از هرگونه حمایت از آن‌ها در مقابل قدرت‌گیری روزافزون رضاشاه در جنوب کشور دریغ ورزیدند. در نتیجه خان‌های بختیاری خیلی زود همراه با کاهش اقتدار سیاسی نظامی، نفوذ اجتماعی و اقتصادی خود را نیز از دست دادند و دیگر در مسائل و حوادث کشور و یا حتی جنوب اثرگذاری کمتری داشتند.

نتیجه‌گیری

در طی جنگ جهانی اول سرزمین بختیاری به علت داشتن ظرفیت‌هایی چون جاده لینچ و منابع عظیم نفتی، جذابیت بسیاری برای انگلیس و آلمان داشت. راهبرد انگلیس این بود که با حفظ امنیت و ثبات در ایل بختیاری، اجازه ندهد تا عوامل آلمانی به اغتشاش و خرابکاری در آنجا اقدام نمایند. آلمان‌ها در عوض تلاش می‌کردند تا با اتخاذ راهبرد ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در ایل بختیاری و به‌ویژه در جاده لینچ و میادین نفتی، منافع دولت انگلیس را به مخاطره افکنند؛ اما موضع خان‌های بختیاری در مقابل قدرت‌های خارجی موضعی دوگانه بود. اگرچه خان‌های کوچک به دشمنی با انگلیس و روسیه و هواداری از آلمان و عثمانی برخاستند، اما عملاً مطابق راهبرد آلمان‌ها در ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در جاده لینچ و تأسیسات نفتی هیچ نقشی مثبتی ایفا ننمودند. خان‌های بزرگ نیز با وجودی که به‌ظاهر خود را هوادار انگلیس نشان می‌دادند اما در عمل موضعی مبهم و دوپهلوی اتخاذ کردند که بیش از اینکه به سود انگلیس باشد، به زیان آن دولت بود. این مواضع نادوستانه خان‌های بختیاری نسبت به دولت انگلیس، طی اواخر جنگ و سال‌های بعد عواقب ناگواری را برای ایل بختیاری در پی داشت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با پایان جنگ و پیروزی انگلیس، مقامات انگلیسی تصمیم گرفتند تا بی‌وفایی خان‌های بختیاری را با پاسخی درخور جبران نمایند؛ بنابراین نه تنها به دستگیری، زندانی کردن و تبعید بعضی از خان‌های کوچک بختیاری اقدام کردند بلکه به حمایت خود از خان‌های بزرگ نیز برای همیشه خاتمه دادند. در حقیقت مواضع اتخاذشده خان‌های بختیاری طی جنگ جهانی اول، باعث گردید تا دولت انگلیس از آن‌ها ناامید گردیده و

مصمم گردد ضمن گذر از خان‌ها، سیاست قدیمی خود مبنی بر حمایت از آن‌ها را به‌طور دائمی کنار بگذارد. این رویکرد جدید دولت انگلیس منجر به تضعیف قدرت سیاسی، نظامی خان‌های بختیاری و تقویت دولت تمرکزگرای رضاشاه در جنوب غربی ایران به‌ویژه در مناطق نفت‌خیز گردید. با تضعیف قدرت سیاسی، نظامی بختیاری‌ها در کشور و به‌خصوص در جنوب ایران، آن‌ها خیلی زود با کاهش نفوذ اجتماعی و قدرت اقتصادی در این منطقه نیز مواجه گردیدند. ابتدا نیروهای نظامی رضاشاه جایگزین بختیاری‌ها در حفاظت و حراست از میادین نفت گردیدند و بختیاری‌ها درآمدهای سرشار تحت عنوان «حق الحفظه» را از دست دادند. مدتی بعد خان‌ها سود سهام نفتی خود را که درآمد زیادی برایشان داشت بالاچار توسط دولت رضاشاه از دست دادند و ناگزیر گردیدند تا کلیه سهام نفتی خود را به دولت واگذار نمایند. دولت انگلیس و شرکت نفت در تمام این جریان‌ها نه‌تنها کمکی به خان‌های بختیاری ننمود بلکه به‌صورت غیرمستقیم از دولت رضاشاه حمایت به عمل آورد. خیلی زود دولت رضاشاه بختیاری‌ها را خلع سلاح نمود، سیاست «تخته قاپو» یا اسکان عشایر را به‌طور اجباری بر آن‌ها تحمیل کرد و حتی خان‌ها و دیگر رهبران آن‌ها را دستگیر کرد و به زندان افکند یا به قتل رسانید، اما دولت انگلیس در تمامی این حوادث فقط نظاره‌گر بود و یا حتی به‌صورت ضمنی از دولت پهلوی حمایت می‌کرد.

فهرست منابع و مأخذ:

الف) کتب فارسی

- ابطحی، علی‌رضا (۱۳۸۴). *نفت و بختیاری‌ها*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- احرار، احمد (۱۳۶۸). *طوفان در ایران*، تهران: نوین.
- اسکرابین، سر کلارمونت (۱۳۶۳). *جنگ‌های جهانی در ایران*، ترجمه حسین فراهانی، تهران: نوین.
- *اسناد جنگ جهانی اول در ایران (۱۳۷۰)*. به‌کوشش بهروز قطبی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- *ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله (۱۳۶۹)*. به‌کوشش کاوه بیات، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- اوژن بختیاری، ابوالفتح (۱۳۹۴). *تاریخ بختیاری*، تهران: تمی.

- باست، الیور (۱۳۷۷). *آلمانی‌ها در ایران*، ترجمه حسین بنی‌احمد، تهران: شیرازه.
- بلوشر، ویپرت (۱۳۶۳). *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- پرورش رامکی، علی، اربابی، قاسم (۱۳۹۷). «واپژوهی راهبردهای آلمان و انگلیس در ایران هنگام جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م/۱۲۹۳-۱۲۹۷ه.ش)»، *تاریخنامه خوارزمی*، سال ششم، ش ۲۴، صص: ۵۲-۳۳.
- پوریختیار، غفار (۱۳۸۷). *اسناد برگزیده بختیاری‌ها در تاریخ معاصر ایران*، مسجدسلیمان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۵۶). *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران: اقبال.
- حیدری سیرجانی، محمدحسن (۱۳۶۸). *پیغمبر دزدان*، تصحیح و مقدمه از محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نگاه.
- دانشور علوی، نوراله (۱۳۷۷). *جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری*، مقدمه و حواشی حسین سعادت نوری، تهران: آزان.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، ج ۳، تهران: عطار و فردوسی.
- رایت، دنیس (۱۳۶۴). *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه اسکندر دلد، تهران: نهال.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۳۵). *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، تهران: موسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۶۲). *ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴)*، تهران: ادیب.
- سردارظفر، خسرو خان (۱۳۵۵). «*خاطرات سردارظفر بختیاری*»، *مجله وحید*، دوره چهاردهم، ش ۶، صص ۳۴۲-۳۳۹.
- سفیری، فلوریدا (۱۳۶۴). *پلیس جنوب ایران*، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره فشارکی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- سلطانی زراسوند، پریچهر (۱۳۹۴). *سردار بی‌بی مریم بختیاری سردار آزادگی*، تهران: ایل-دخت بختیاری.
- شاکری بروجنی، خسرو (۱۳۸۵). *ضرغام السلطنه بختیاری*، تهران: آزاد مهر.
- شببانی، عبدالحسین (۱۳۷۸). *خاطرات مهاجرت از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن*، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، تهران: شیرازه.
- عطایی، عبدالله؛ نوری، داوود (۱۳۹۵). «*سیاست‌های انگلیس و آلمان در فارس در طی جنگ جهانی اول*»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۸، صص: ۷۹-۷۱.
- فاتح، مصطفی (۱۳۵۸). *پنجاه سال نفت ایران*، تهران: پیام.

- فن میکوش، داگوبرت (۱۳۸۳). *واسموس*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: شهاب ناقل.
- قربان‌پور دشتکی، خدابخش (۱۳۹۰)، *انگلیس و بختیاری (۱۹۲۵-۱۸۹۶)*، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران) (۱۳۶۳). به‌کوشش احمد بشیری، ج ۸، تهران: نشر نو.
- کحل‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۷۰). *دیده‌ها و شنیده‌ها*، به‌کوشش مرتضی کامران، تهران: البرز.
- گارثویت، جن راف (۱۳۷۳). *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری*، ترجمه مهرباب امیری، تهران: سهند.
- گارثویت، جن راف (۱۳۷۷)، «خان‌های بختیاری، دولت ایران و انگلیس (۱۹۱۵-۱۸۴۶)»، ترجمه نصرالله صالحی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال دوم، شماره ۸، صص: ۷-۴۴.
- گالت، چارلز الکساندر و دیگران (۱۳۸۷). *ایل بختیاری*، ترجمه و کوشش کاوه بیات و محمود طاهر احمدی، تهران: پردیس دانش و شیرازه.
- گرکه، اولریخ (۱۳۷۷). *پیش به سوی شرق*، ترجمه پرویز صدری، ج ۱، تهران: سیامک.
- مابریلی، جیمز فردریک (۱۳۶۹). *عملیات در ایران، جنگ جهانی اول ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، ترجمه کاوه بیات، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مکبن روز، الیزابت (۱۳۷۳). *با من به سرزمین بختیاری بیا*، ترجمه مهرباب امیری، تهران: آنزان.
- میرزایی دره شوری، غلامرضا (۱۳۷۳). *بختیاری‌ها و قاجاریه*، شهرکرد: ایل.
- نوئل، ادوارد ویلیامز چارلز (۱۳۹۳). *سفرنامه بهمئی (گزارشی از تحولات کهگیلویه و بختیاری در جنگ جهانی اول)*، ترجمه کاوه بیات، تهران: نامک.
- نیدرمایر، اسکارفن (۱۳۸۰). *زیرآفتاب سوزان ایران*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: اساطیر.
- ویلسون، سر آرنولد تالبوت (۱۳۹۴). *سفرنامه ویلسون در جنوب غربی ایران*، ترجمه و حواشی از علی محمد ساکی، خرم‌آباد: شاپورخواست.

ب) کتب و مقالات انگلیسی

- Cronin, Stephanie (2004). "The politics of Debt: The Anglo-Persian Oil Company and The Bakhtiari Khans", *Middle Eastern Studies*, Vol: 40, No: 4, pp: 1-31.

- *Documents on British foreign policy*(1963). edited by Rohan Butler, M.A and J. P.T. Bury, M.A,first series,Vol: 13, London.
- Garthwaite. Gen. Ralf(1977) ”TheBakhtiyariIlkhani: Illusionof unity”, *International Journal Middle East Study*. Vol; 8, pp: 145-160.
- *Iran Political Diaries(1881-1965)*(1997), editor: Robert I. Jarman, Uk, archive edition limited, Vol: 5&7.
- Khazani Arash(2009), *Tribes and Empire on the Margins Of Ninteenth-Century Iran*, washington university Press.

پ) اسناد:

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)
- سند شماره ۷-۳۹۷/۴۹/۵-۲۴۰.
- کتابچه اسناد خاندان بختیاری و اعتلاءالملک (در ساکما)
- اسناد شماره ۱۳/۴۱۳/۱۰۰۵؛ ۶۳/۱۰۰۳؛ ۳۵/۱۰۰۲؛ ۱۱۶/۱۰۰۴؛ ۸۴/۱۰۰۳.

The Bakhtiari Tribe and the First World War: Studying Britain and Germany's Strategies and Tactics

*Ghaffar Pourbakhtiar**

Abstract

During the First World War, the Bakhtiari tribe had become a field of rivalry and conflict between powers such as Britain and Germany. While aiming to identify the causes of such a situation, this descriptive-analytical research tries to illuminate the important aspects of Bakhtiari territory for these two powers. The research hypothesis is that the existence of adequate capacities such as the Lynch Road and oil resources in Bakhtiari territory made it attractive to both powers so they used strategies and tactics to penetrate this tribe. The findings of the study show by hiring the strategy of establishing security in this territory and by taking proper approaches, Britain tried to maintain its interests there. Germany also employed a strategy to endanger Britain's interests by means of the tactic of creating insecurity in the tribe. Minor khans were openly pro-German but great khans took ambiguous and two-sided positions. Because of these positions, at the end of the war, Britain adopted a new policy based on the transition from the Bakhtiari Khans to an approach to creating a centralized government.

Keywords: World War I, Bakhtiari tribe, oil fields, the Lynch Road, Britain and German.

*Assistant Professor, Department of History, Shushtar Branch, Islamic Azad University; Email:porbakhtiarghfar@yahoo.com.
| Received: April 4, 2020; Accepted: August 22, 2020|